

سجاد پور - نوجوان ۱۶ ساله ای که در حضور پدرش، دست به جنایتی وحشتناک زده بود، پس از بازجویی های تخصصی در حضور قاضی دکتر «صادق صفری» (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) به ارتکاب جنایت اعتراف کرد.

به گزارش خراسان، این نوجوان که نیمه شب سیزدهم خرداد پسر دایی خودش را در یک درگیری به دلیل گم شدن تلفن همراه، به قتل رسانده بود، در بازجویی های مقدماتی مدعی شد که «سعید-ر» (مقتول) پس از آن که به سمت

او حمله ور شده، تیغه چاقو را بر پیکر خودش نیز وارد آورده است. این نوجوان ۱۶ ساله در حالی از تکاب جنایت را انکار می کرد که پدر او نیز بر اظهارات فرزندش مهر تایید زد اما باز هم تاکید کرد که به گفته های فرزندش اطمینان ندارد!

بنابراین به دستور قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، وی در اختیار کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت و در نهایت با مشاهده اسناد و مدارک موجود، لب به اعتراف گشودو حقیقت ماجرا را در حضور قاضی «صادق صفری» بیان کرد. او گفت: فقط به دلیل گم شدن تلفن همراه پسر دایی ام، با یکدیگر در گیر شدیم که من با همان چاقوی خوش رنگی که خودش به من هدیه داده بود، او را به قتل رساندم. گزارش خراسان حاکی است: در حالی که هنوز ابعاد دیگر این جنایت توسط سرهنگ مرادی (افسر پرونده) مورد کنکاش های دقیق پلیسی قرار گرفته بود، این نوجوان متهم به قتل در حاشیه جلسات بازپرسی به سوالات خبرنگار خراسان نیز پاسخ داد. آن چه تقدیم مخاطبان ضححه حوادث روزنامه خراسان می شود، نتیجه این گفت وگویی یک ساعته است.

نامت چیست؟
امیر علی-س

هنوز جوانی؟
بله، ۱۶ سال بیشتر ندارم.

درس می خوانی؟
در یکی از مدارس بولوار دوم طبرسی تحصیل می کردم.

مشهدی هستی؟
بله

پسر دایی ات هم اهل مشهد بود؟
نه، آن ها در تربت جام زندگی می کردند ولی من و او تقریباً با هم بزرگ شدیم.

چند سال از تو بزرگ تر بود؟
او ۲۰ سال داشت و حدود چهار سال از من بزرگ تر بود اما مرا «داداشی» صدا می زد!

پسر دایی ات مهمان شما بود؟
نه، در منزل

یکی از بستگان مان بودند اما چون خیلی با هم دوست بودیم شب را به پارک «مروارید» رفتیم.

چرا با هم در گیر شدید؟
«سعید» (مقتول) تلفنی با دوست دخترش صحبت می کرد، من هم از او فاصله گرفتم و به نقطه دیگر پارک رفتم. زمانی که دوباره به جایی برگشتم که سعید آن جا بود، چشمم به او افتاد که روی نیمکت دراز کشیده و به خواب رفته بود. فوری او را بیدار کردم و گفتم «پاشو» زشت است که در پارک خوابیده ای!

سعید هم در حالی که چشمانش را باز کرده بود دست در جیبش کرد و به دنبال گوشی اش گشت اما هر چه جیب هایش را بررسی کرد گوشی را نیافت. به همین دلیل رو به من کرد و گفت: «گوشی مرا بده!» هر چه می گفتم «من از گوشی خبر ندارم!» باور نمی کرد ،همین موضوع منجر به درگیری بین ما شد که در این میان من با چاقو او را دم ولی او هم مرا زخمی کرد که هر دو نفر ما را به بیمارستان رساندند.

چاقو مال خودت بود؟
نه! آن چاقو هدیه «سعید» بود. یک روز همین چاقو را در دست داشتم که من گفتم چقدر خوش رنگ است! او وقتی این جمله را شنید رو به من کرد و گفت: بذار توی جیب خودت! چون او همیشه دو چاقو با خودش حمل می کرد.

پدرت آن جا چه کار می کرد؟
پدرم قبلاً قصابی داشت اما اکنون تاکسی تلفنی دارد. او از سرکار بازمی گشت که نزد من آمد.

عاشق هم شده ای؟
نه، تا به حال عاشق نشده ام ولی دوست داشتم با دختر یکی از بستگان مان ازدواج کنم.



به پدرت هم گفته بودی؟
بله، پدرم موافق بود و می خواست آن دختر را برایم بگیرد.

تو که دانش آموز بودی؟
خب درس هم می خواندم، اول «نشان» می کردم بعد که شرایط خوب شد به زندگی مشترک زیر یک سقف ادامه می دادم.

چرا در این سن دوست داشتی از دواج کنی؟
مجردی چیه! همین مجرد بودن و آن چاقوی

خوش رنگ دارم.

مشروب هم خور ده ای؟
بله، از دو سال قبل «عرق سگی» می خوردم البته هنگامی که کسی در خانه ما نبود یا خانه دوستانم.

اولین بار کجا مشروب مصرف کردی؟
یادم نیست ولی روز حادثه هم در پشت بام منزل مشروب خوردم.

مواد هم مصرف می کنی؟
نه، از مواد مخدر بدم می آید و تنها با پسر دایی ام برای قلیان کشی می رفتم.

چرا از مواد منفرفی؟
چون روزگار اطرافیانم را که معتاد هستند با چشم می بینم.

می خواستی در آینده چکاره شوی؟
اول که قصد داشتم در رشته علوم تجربی ادامه تحصیل بدهم.

یعنی می خواستی دکتر شوی؟
نه، از بچگی آرزویم این بود که پلیس شوم به همین دلیل هم تفنگ می خریدم!

تایستان ها کار می کردی؟
بله، حتی روزهای تعطیل در کنارگاه کار می کردم. من قصاب هم هستم!

استر سن داشتی؟
نه، این شغل من بود! چرا باید از کشتن گوسفند استرس داشته باشم. آن کار افراد ترسو است که از دیدن خون هم می ترسند!

چه کسی تو را به بیمارستان برد؟
وقتی زخمی شده بودم تا سر کوچه خودم راه رفتم اما وقتی روی زمین افتادم دوستانم زنگ زدند و مرا به بیمارستان رساندند.

باند قاچاق سلاح در رفسنجان متلاشی شد

توکلی - با دستگیری اعضای یک باند فروش سلاح های جنگی و شکاری غیر مجاز در رفسنجان ،مقادیری سلاح و مهمات کشف وضبط شد.
به گزارش خراسان،فرمانده انتظامی رفسنجان گفت: نیروهای پلیس امنیت عمومی این شهرستان با اشراف اطلاعاتی و انجام اقدامات خاص پلیسی از فعالیت یک باند قاچاق سلاح و مهمات جنگی و شکاری در شهرستان رفسنجان باخبر شدند و موضوع را به صورت ویژه با شناسایی چهار عضو این باند و پایش نامحسوس تحرکات افراد مدنظر در دستور کار قرار دادند.

سرهنگ اکبر نجفی افزود: در این زمینه ماموران با اشراف اطلاعاتی خود ا قصد اعضای این باند برای حمل تعدادی سلاح به مقصد شهرستان رفسنجان آگاه شدند و با استقرار نامحسوس چند گروه در محور «اتار-رفسنجان» خودروی سمند حامل سلاح را شناسایی و متوقف کردند.

وی تصریح کرد: در بازرسی از این خودرو ۱۶ قبضه سلاح شامل ۱۰ قبضه اسلحه شکاری غیر مجاز، ۶ قبضه کلت و ۱۰۰ عدد فشنگ جنگی کشف و راننده خودرو دستگیر شد که در ادامه نیز ماموران بلافاصله در یک عملیات ضربتی سه عضو دیگر این باند را در مخفیگاه شان به دام انداختند و بازجویی و کاوای های اطلاعاتی از این افراد ادامه دارد.

گفت وگو با دانش آموز ۱۶ ساله ای که قاتل شد

چاقوی خوش رنگ کار دستم داد

ماشین هم

سوار می شوی؟
بله،ر انندگی

بلدم! قبلا هم که پدرم پژو پارس داشت با آن رانندگی می کردم اما گواهی نامه ندارم.
درآمد پدرت چگونه است؟
بد نیست! الان خودش پراید دارد اما درآمدش از تاکسی تلفنی است.

تک فرزند هستی؟
نه تک پسر هستم. دو خواهر دیگر دارم که یکی از من بزرگ تر و دیگری کوچک تر است.

چرا دست به چنین جنایتی زدی؟
مست بودم! به دلیل مصرف مشروبات الکلی رفتارم دست خودم نبود یعنی چیزی نمی فهمیدم!
فکر می کنی مصرف مشروب تو را به چنین مخمضه ای انداخت؟

بله، اگر عرق نمی خوردم، می توانستم خودم را کنترل کنم و این حادثه رخ نمی داد.

پسر دایی ات چه کار می کرد؟
او خدمت سربازی را به تازگی تمام کرده بود.

چرا از گم شدن گوشی تاین اندازه عصبانی شد؟
چون شماره دخترها را فقط در آن گوشی داشتم و به همین دلیل فکر می کردم من گوشی را برداشته ام!

تو با گوشی چه کار می کردی؟
من بیشتر «کلیش» بازی می کردم ولی هیچ وقت نمی باختم و همیشه برنده بودم!

الان پیشیمانی؟
خیلی! مگر می شود چنین حادثه وحشتناکی برای یکی از بستگانت رخ بدهد و تو ناراحت نشوی، آن هم کسی که تو را «داداشی» صدا می زد!

برای هم سن وسال های خودت چه توصیه ای داری؟
شمارا به خدا چاقو در جیب نگذارید و به دنبال مشروبات الکلی نروید! اتفاق زمانی رخ می دهد که دیگر راه بازگشتی هم نیست!

بی احتیاطی راننده علت آتش سوزی کارخانه فیروزآباد

۱۹۴ نفر مصدوم شدند و ۲۳ نفر

بستری هستند

آخرین خبری که مهرداد شریفی، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی شیراز اعلام کرده است، شمار مصدومان به ۱۴۹ نفر رسیده که ۱۲۶ نفر از این تعداد از بیمارستان مرخص شدند و ۲۳ نفر اکنون بستری هستند. وی که خود در بیمارستان قائم شهرستان فیروزآباد حضور دارد و بر روند ارائه خدمات نیز نظارت مستقیم می کند تاکید کرد: این حادثه هیچ فوتی نداشته است و با توجه به حضور یک تیم کامل پزشکی از شیراز برای رسیدگی فوری به مصدومان حادثه با پرواز بالگرد اورژانس هوایی نیازی به ارجاع بیماران به مرکز استان نیز وجود ندارد.

معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی شیراز از افزایش تعداد مصدومان حادثه کارخانه کرنات سدیم فیروزآباد به ۱۴۹ نفر خبر داد. به گزارش کرنا، نشستی آمونیباک در کارخانه کرنات سدیم فیروزآباد که ساعت ۱۷ روز دوشنبه رخ داد، به حریق و مجروح شدن عده زیادی منجر شد و این تعداد با وجود پایان عملیات اطفاء همچنان رو به افزایش است. ناصری مدیر فنی کارخانه کرنات سدیم فیروزآباد در باره علت حادثه اظهار کرد: بی احتیاطی راننده کامیون حامل نیتروژن مایع و آتش سوزی آن سبب آسیب به شیلنگ اتصال به مخزن آمونیاک کارخانه و نشت مواد شیمیایی شد. بر اساس

در امتداد تاریکی

سرگذشت قاچاقچی بزرگ!

قرار بود محموله هروئین را در مشهد به جوانی با مشخصات معلوم تحویل بدهم اما هنوز از مهمان پذیر بیرون نیامده بودم که ناگهان ماموران انتظامی از راه رسیدند و... به گزارش خراسان زن ۲۷ ساله سابقه داری که در یک عملیات ضربتی توسط افسران دایره اطلاعات کلانتری سپاد مشهد دستگیر شده است، پس از آن که به سوالات تخصصی افسر پرونده در باره انتقال ۶۱۷ گرم مواد مخدر صنعتی (هروئین فشرده) پاسخ داد درباره سرگذشت خود نیز به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: در یک خانواده ۱۰ نفره رشد کردم اما پدرم فردی قمارباز بود و هیچ توجهی به خانواده اش نداشت. او مسئولیتی را بر دوش خود احساس نمی کرد و همواره بیکار بود به همین دلیل من و هفت برادر و خواهر دیگرم به سختی زندگی می کردیم به گونه ای که معنای واقعی فقر را با همه وجود می فهمیدیم. دوبرادرم وقتی به سن نوجوانی رسیدند خودشان به دنبال کار و زندگی رفتند اما من و خواهرانم در حالی با فقر و نداری می ساختیم که داشتن یک زندگی مرفه برای من از همان دوران نوجوانی به یک رویا تبدیل شده بود. در همین شرایط هر خواستگاری که زنگ خانه ما را به صدا درمی آورد هیچ گاه با پاسخ منفی روبه رو نمی شد چون پدرم فقط قصد داشت ما را شوهر بدهد و بدون چهره یزه روانه خانه بخت کند. من هم در همان سن نوجوانی با جوان معنادی ازدواج کردم اما زندگی مشترک ما دوامی نداشت و من در حالی از او طلاق گرفتم که خودم نیز معتاد شده بودم. در این شرایط و برای آن که هزینه های اعتباردار تامین کنم برای قاچاقچیان محله خرده فروشی می کردم تا این که یک بار دستگیر و در زابل روانه زندان شدم اما به دلیل این که سابقه کبفری نداشتم بعد از مدتی مورد عفو قرار گرفتم و از زندان آزاد شدم اما باز هم و سوسه های یک زندگی مرفه به سراغم آمد و تصمیم گرفتم برای یک بار محموله سنگین مواد مخدر صنعتی جابه جا کنم و با سود هنگفت آن زندگی خوبی برای خودم بسازم به همین دلیل این محموله هروئین را از سیستان و بلوچستان به مشهد منتقل کردم و قرار بود به جوانی با مشخصات معلوم در کنار آرامگاه نادر تحویل بدهم. وقتی وارد مشهد شدم در یک مهمان پذیر اقامت کردم تا جلب توجه نکنم اما هنوز ساعت قرار با آن جوان نرسیده بود که ناگهان ماموران انتظامی وارد مهمان پذیر شدند و مرا در حالی دستگیر کردند که هنوز محموله مواد مخدر را مخفی نکرده بودم و...

گزارش خراسان حاکی است نیروهای زبده کلانتری که با راهنمایی و نظارت مستقیم سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد) وارد عملیات شده بودند، در قرار صوری همدست ۳۳ ساله این زن جوان را در حالی به دام انداختند که از قاچاقچیان حرفه ای و سابقه دار بود.

بررسی های بیشتر برای ریشه یابی این پرونده با صدور دستورات ویژه قضایی همچنان ادامه دارد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

برگ سبز خودرو پراید هاگ به ۱۱۱ به نام معیاد بابائی ریزه‌ری
به شماره انتظامی ۹8-239 ابران ۹6 و شماره موتور 3587782 به شماره شاسی 53430089021535 مفقود و فاقد اعتبار است. وثقاضای رونوشت مدارک را دارم

۱۲۰۱۷۵۵۵۱/

(آگهی تجدید مزایده)

اداره تصفیه امور ورشکستگی استان خراسان رضوی ب قائم مقامی از شرکت ورشکسته فن آوری گاز توس در نظر دارد اقلام متعلق به شرکت فوق را که توسط کارشناس رسمی دادگستری به شرح ذیل ارزیابی شده است، با شرایط مندرج در انتهای آگهی از طریق مزایده در روز دوشنبه ۱۴۰۱/۴/۶ ساعت ۱۰ صبح بفروش برساند-
**تعداد۹۰ عدد پاکس پالت فلزی با ابعاد حدودی ۱/۲×۱/۵×۱/۵ متر مجموعا به قیمت یک میلیار و ششصد و بیست میلیون ریال ۲-تعداد ۵ عدد پاکس پالت فلزی با ابعاد حدودی ۲/۵×۱/۵×۱/۲متر مجموعا به قیمت یکصد و بیست و پنج میلیون ریال مجموعا بمبلغ یک میلیارد و هفتصد و چهل و پنج میلیون ریال شرایط شرکت در مزایده: -ا فروش نقدی است و عدالاقضامطابق ماده ۴۴ قانون تصفیه بصورت اقساط می باشد و اقساط حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ مزایده خواهد بود-
۳-پیشنهادهندگان باید قبلا ۱۰٪ قیمت پایه مزایده را بعنوان سپرده نقدی شرکت در مزایده بحساب ۰۲۰۸۲۵۲۴۶۰۰۲قوه قضائیه واریز و فیش واریزی را ضمیمه پیشنهاد خود نمایند. ۳- پیشنهادات باید در پاکت لاک و مهر شده و با ذکر جمله (مربوط به مزایده شرکت فن آوری گاز توس) مشخصات کامل و محل اقامت پیشنهاددهنده در روی پاکت تا قبل از ساعت شروع مزایده دوشنبه ۱۴۰۱/۴/۶ به دبیرخانه اداره تصفیه امور ورشکستگی استان خراسان رضوی واقع در میدان ده دی خیابان فرخی (رازی ۲) روبروی چاپخانه گوتنبرگ تسلیم نماید. ۴- پیشنهادات راس ساعت ۱۰ صبح همان روز باز و قرائت خواهد شد و در همان جلسه مزایده حضوری بعمل خواهد آمد و برنده کسی است که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید. ۵- اداره تصفیه در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است و به پیشنهادات مختار است و به پیشنهادات میهم، مشروط فاقد سپرده و برخلاف شرایط این آگهی تر تریب اثر داده نخواهد شد. ۶- برنده مزایده باید ظرف یک روز پس از جلسه مزایده بقیه ثمن معامله را در وجه اداره تصفیه استان خراسان رضوی پرداخت نماید. چنانچه پرداخت بها در موعد مقرر انجام نگیرد یا اینکه برنده مزایده حاضر به اجرای تعهد خود نرگردد علاوه بر جبران خسارت وارده موضوع ماده ۴۴ قانون تصفیه از محل وجه سپرده نسبت به فروش مورد مزایده، از طریق مزایده مجدد اقدام خواهد شد. طالبین برای کسب اطلاعات بیشتر و یا رفع هرگونه ابهام می توانند همه روزه بجز ایام تعطیل در ساعات اداری با تلفن ۳۸۵۴۲۲۳۲ داخلی ۶ تماس حاصل و یا به دفتر اداره تصفیه واقع در میدان ده دی- خیابان فرخی روبروی چاپخانه گوتمبرگ مراجعه نمایند.**

هادی ولایتی حقیقی

سرپرست اداره تصفیه امور ورشکستگی و رئیس شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی

مرگ تلخ ۲مقنی

در عمق چاه۵متری

گاز گرفتگی، جان دو کارگر چاه کن را گرفت.
جانشین ستاد بحران شهرستان قلعه گنج با بیان این که این کارگران در چاه کشاورزی جدید در روستای چاه هیشور کی از توابع بخش چاه دادخدای این شهرستان، مشغول حفر چاه بودند، ناگهان با جداشدن شیلنگ گازرگشتی و سپس خفگی می شود که جان خود را از دست می دهد.
وی افزود: نیروهای عملیاتی هلال احمر قلعه گنج و آتش نشانی شهرستان کهنوخ و مردم روستا با تلاش فراوان دو کارگر ۵۵ ساله ایرانی و ۲۵ ساله افغانستانی را به خارج از چاهانتقال دادند اما متأسفانه هردو نفر در لحظات اولیه حادثه جان خود را دست داده بودند.

۱۲۰۱۷۵۷۲۰/

فراخوان مناقصه عمومی

شهرداری رباط سنگ در نظر دارد با توجه به مجوز شماره ۱۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۱ شورای اسلامی شهر رباط سنگ مناقصه عمومی خرید و اجرای آسفالت معابر شهری را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل مناقصه از دریافت مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی،مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ می باشد.

مهلت زمانی دریافت مناقصه از سایت: ساعت ۱۲ روزدو شنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۳۰

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۲ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

مهلت بازگشایی پاکتها: ساعت ۱۲ روز یک شنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۱۲

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار ۰۹۱۵۵۳۱۴۵۲۳-۰۵۱۵۳۲۳۳۳۳۷

دبیری سوکی- شهردار رباط سنگ